

# محل بستن دستها در نماز



## مؤلفان

امین الدین "سعیدی- سعید افغانی"  
و داکتر صلاح الدین "سعیدی- سعید افغانی"

# محل بستن دستها در نماز

---

## محل بستن دستها در نماز

تتبع، نگارش و نوشته از:  
امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »  
وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

---

# محل بستن دستها در نماز

## بسم الله الرحمن الرحيم محل بستن دستها در نماز

### مقدمه :

در احکام شرعی عبادتی مرجع و منبع که باید مانند اساس از آن پیروی و متابعت شود همان شرع محمدی است که مبتنی بر آیات و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم میباشد . در مسایل شرعی موارد که شرع در آن روشن است مراجع به تصور ، برداشت و فهم یک انسان خارج از اصول و نصوص شرعی امریست اضافی ، غیر ضروری و اصلاً جواز ندارد.

### خواننده محترم!

در عبادات حق اعمال سلیقه نداریم و عبادات توقیفی است و هر گونه حذف و اضافه در عبادات بدعت محسوب می شود.

مساله بستن دستها در نماز روش پیامبر صلی الله علیه وسلم می باشد ، مساله احترامی و عدم احترامی مطرح نیست ، و اگر احیاناً مساله احترامی مطرح بحث باشد ، در هر بخش زندگی مفهوم احترام بشکل خاص خود است .

بطور مثال احترام در محیط نظامی و عسکری از جمله دست گذاشتن بر پیشانی . احترام در هر جایی به شکل خاصی آن صورت میگیرد ، مثلاً در بخش نظامی و قوای مسلح (اردو و پولیس) که محیط خاصی است، احترام به گونه خاصی صورت می پذیرد ، است. پس یک شخص نظامی بگوید من در نماز دستم را در مقابل پیشانی می گیرم چون ادب و احترام نظامی به این ترتیب است! یا احترام اقوام مختلف، مثل که ادب و رواج خاصی احترام برای خویش دارند .

در مورد محل بستن دست در نماز که آیا محل بستن، بالای سینه است، یا بالای ناف، و یا هم محل بستن دست زیر ناف است، و یا هم سر ناف ، علماء و شارعین شرع هر کدام به استناد و استدلال ، فهم دینی خویش با استنباط از اصول شرعی ، فتوای شرعی صادر نموده اند ، و نظریات فقهی خویش را در مورد جمع بندی نموده اند.

بخاطر روشن شدن این مسئله در این باب ، به استناد احادیث در فهم این مسئله و اینکه کدام روایت و فهم از منابع اصلی دقیق و درست است معلومات دقیق و مستند را خدمت خوانندگان خویش تقدیم خواهیم داشت .

ناگفته نباید گذاشت که در این بخش کوشش بعمل آمده تا کما حقه و با تمام امانت داری موضوع مورد تحقیق قرار گیرد. چنانچه در بالا متذکر شدیم اساس و منبع برای ما در همه عرصه های زندگی بخصوص در بخش عبادت قرآن عظیم الشان ، و سنت پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم است.

قاعده اساسی این است که همه محققان و پژوهشگران واجد شرایط اسلامی و بخصوص از مسلمانان اینست تا خود نیز به کتب تفاسیر ، احادیث نبوی و اقوال امامان مذاهب و سایر علمای مشهور جهان اسلام ، مراجعه نموده و به دریافت راه و فهم درست از احکام الهی و این حکم تعمق نموده به صحت و سقم موضوع غور و بررسی بیشتر نموده و همان رای

## محل بستن دستها در نماز

را از جحیت بدهند، که مطابق به شرع غرای محمدی بوده و به نصوص شرعی روایات آن ثابت باشد.

### خواهر و برادر مسلمان!

هدف نهایی ما از تقدیم و پیشکش کردن این مبحث و تحقیق در این عرصه، اینست تا نماز ما مطابق روش نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم بصورت دقیق تعریف، توضیح و اجراء گردد.

میخواهم به توضیح و تعریف این موضوع، چگونگی بستن دست های پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم را برای شما توضیح بدارم، همه این روایات مستند به احادیث صحیحه بوده، طوریکه گویا نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم را در برابر چشمانت تجسم یافته و تا همان انتخاب مسلمان شود که آنحضرت صلی الله علیه وسلم اجرا و عمل میکرد.

در این باب مسأله را چنان توصیف خواهیم نمود، تا خواندن نماز پیگیری نموده و این خواندن مطابق شرع محمد صلی الله علیه وسلم بوده و سبب قبول نزد پروردگار ما گردد.

و این زمانی اجرا و عملی میگردد که: فرموده ای پیامبر صلی الله علیه وسلم که میفرماید: «صلوا كما رأيتموني أصلي» (آنگونه که مرا می بینید نماز می خوانم، نماز بخوانید) عمل نموده باشیم.

### اساساً چرا باید نماز بخوانیم؟

عبودیت و پرستش یکی از نیازهای ضرورت های انسان است. تمامی انسان ها از ابتدا تا به امروز بشکل از اشکال، پرستش داشته اند. علماء بعد از تحقیقات که بمعل آورده اند، بدین نتیجه رسیده اند که: روح انسان نیاز و ضرورت به عبادت و پرستش دارد. هیچ چیزی نمیتواند، جای آن را پر کند، والله یگانه موجودی است که لایق پرستش است. اگر تاریخ ادیان و مذاهب مورد بررسی قرار گیرد با تمام وضاهت در خواهیم یافت که هر کدام از مکاتب و ادیان، برداشت و آشکالی برای عبادت دارند اما همه ادیان آسمانی به دنبال پرستش و عبادت اند، حتی موجودات دیگر نیز به عبادت و پرستش مشغولند.

قرآن عظیم الشان می فرماید: «كَلَّ قَدِ عِلْمِ صَلَوْتِهِ وَ تَسْبِيحِهِ»- نور: آیه ۲۴ « (تمامی موجودات نماز و تسبیح خدا را می دانند) و باز در جای دیگر می فرماید: «إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (- اسراء (17) آیه هر موجودی با حمد، خدا را تسبیح می گوید، لیکن شما تسبیح آنان را نمی فهمید).

نماز، در میان همه عبادات، یکی از مهم ترین عبادات الهی بشمار رفته، بنابر عظمت که نماز در جمله عبادات دارد، حدود ۱۰۴ مورد کلمه (صلاة) با مشتقاتش در قرآن کریم ذکر شده و در پانزده مورد صریحاً به آن امر شده و در چند جا نیز رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره آن مورد خطاب قرار گرفته است.

گذشته از اینها فواید و نتایج ارزنده ای نیز برای نماز در قرآن بیان شده است، چنانچه می فرماید: «.. أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (برای یاد من نماز بگزار).

در مورد مقام و منزلت تربیتی نماز قرآن با ظرافت خاص می فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ

## محل بستن دستها در نماز

الصَّلَاةُ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (سوره عنكبوت، آیه 45). (نماز بگزار که نماز انسان را از فحشا و منکر باز می دارد.)  
در دین مقدس اسلام و شریعت غرای محمدی نماز رأس اسلام، چهره دین، موجب تقرّب اهل تقوا به خداوند، افضل اعمال بعد از معرفت الله، ستون خیمه دین و مانند آن معرفی گردیده است.  
پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ، إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ نَفَعَتِ الْأُتُنَابُ وَالْأُوتَادُ وَالْغِشَاءُ، وَإِذَا انْكَسَرَ الْعَمُودُ لَمْ يَنْفَعْ طَنْبٌ وَلَا وَتْدٌ وَلَا غِشَاءٌ» (مثل نماز همانند عمود و ستون خیمه است. هرگاه عمود ثابت باشد، طنابها، میخها و پرده نافع است ولی در صورتی که عمود شکست، طناب، میخ و پرده سودی نمی بخشد.)

### خواننده محترم!

بسیاری از انسانها می پرسند، که عبادت برای الله و از جمله نماز برای چیست؟ مگر الله سبحان به عبادت بندگان خود، نیازمند است که به آن امر کرده است؟ در جواب این تعداد از اشخاص باید گفت که عبادت به خاطر رفع نیاز از بی نیاز الهی نیست. طاعت و عصیان بندگان هیچ نوع سود و زیانی برای پروردگار ندارد. پروردگار با عظمت ما هنگام آفرینش خلق از طاعت و بندگیشان بی نیاز و از معصیت و نافرمانی آنها ایمن بود، زیرا معصیت گناهکاران او را زیان ندارد و طاعت فرمانبرداران سودی به او نمی رساند.  
هدف از عبادت، رشد و تکامل انسان است، زیرا الله کمال مطلق است و انسان برای رسیدن به کمال باید خود را به او نزدیک کند و راه تقرّب انسان به خدای متعال، عبودیت و بندگی است.

بسیاری از نماز گزاران، نماز می خوانند، ولی نمی دانند، برای چه نماز می گذارند و در نتیجه از هدف اصلی آن غافلند، از این رو، سود و فایده ای بحال شان نمی رساند، و گفته میتوانیم که این عبادت در روح آنان اثری نگذاشته و یا اثری نا محسوس و غیر قابل توجه گذاشته است؛ زیرا (همچون زاغی که منقار بر زمین می کوبد)، به نماز پرداخته و با غفلت به پایان می رسانند. چنین نمازی باز دارنده از گناهان نیست. با آنکه قرآن عظیم الشان در (آیه ۴۵ سوره عنكبوت) نماز را بازدارنده از فحشاء و منکر معرفی داشته است.

برای توجه به هدف اصلی اقامه نماز، برخی از علماء ی بزرگ اسلام، کتابهایی پیرامون اسرار این عبادت و آداب قلبی و معنوی آن نگاشته اند که مطالعه دقیق و به کار بستن آنها بر همه مسلمانان، بخصوص جوانان عزیز، امری ضروری و لازم است. اما موضوع بحث این مقاله بستن دست ها در نماز و بخصوص محل بستن دست ها مختص گردیده است، که نماز مطابق به هدایت حضرت پیامبر اسلامی محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم به کمال و جمال خویش اجرا گردد که در مورد تفصیل ذیل تقدیم میگردد.

قابل ذکر است که بجاء آوردن نماز به طریقه که پیامبر اسلام به آن ارشاد فرموده، برای

## محل بستن دستها در نماز

انسان چنان نیرو و قوتی عظیمی برای تحمل غمها و مصائب بخشیده و همین نماز است که بسیاری از امراض روانی را در وجود انسان مداوم ساخته ، و نماز انسان را بر آینده امیدوار نموده و قدرت ایستادگی و مقاومت او را در برابر حوادث بزرگ که انسان هر لحظه بدان مواجه است، بالا می برد.

در اجرای و ادای فریضه نماز انسان مسلمان با تمام اعضای بدن و حواس خود متوجه پروردگار می شود و از همه مشغولیت ها و مشکلات دنیوی روی برمی گرداند و به هیچ چیز جزء پروردگار و آیات قرآن که در نماز بر زبان می آورد فکر نمی کند همین روی گردانی کامل از مشکلات زندگی و عدم فکر کردن به آنها، در اثنای نماز، و ارکان نماز در قیام، قعود، رکوع و سجده باعث ایجاد آرامش روح و روان در انسان می گردد. الهی توفیق آنرا برای ما نصیب نمایی، تا نماز را مطابق سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم: ( آنگونه که مرا می بینید نماز می خوانم، نماز بخوانید ) بجاء آوریم. آمین یا رب العالمین.

### محل بستن دست در نماز :

در مورد بستن دستها در نماز و محل بستن آنها علماء و محدثین، روایات متعددی را از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت نموده اند . که برخی از این احادیث مطابق علم (علوم) حدیث صحیح و برخی دیگری از این احادیث ضعیف می باشد. صحابه کرام (رض) چگونگی و کیفیت بستن دستها را نقل کرده اند : از آن جمله: مشهورترین احادیث از راویان مشهور هر یک: « وائل بن حجر و غطفان بن حارث و ابن عباس و ابن مسعود و سهل ابن سعد و غیره ..... میباشد . که با تماس در مورد احادیث متذکره به توضیح و تشریح مبحث خویش می پردازیم .

### اول - حدیث سهل بن ساعد (رض)

این حدیث را امام بخاری در صحیح بخاری و امام مالک رحمه الله علیهم در مؤطا روایت کرده اند:

#### اصل حدیث :

عن سهل بن سعد ساعد قال: «كان الناس يؤمرون أن يضع الرجل اليد اليمنى على ذراع اليسرى في الصلاة» (سهل بن سعد می گوید: «در زمان رسول الله صلی الله علیه به مردم دستور داده می شد که مردم در نماز دست راست را بر ساق دست چپ بگذارد). (مختصر صحیح بخاری، کتاب صفة الصلاة صفحه 133 و مؤطا امام مالک رحمه الله علیه صفحه 111 باب وضع اليدين إحداهما على الأخرى في الصلاة شماره 371 و مشکاة المصابيح جلد 1 صفحه 249 شماره 798).

### دوم - حدیث وائل ابن حجر:

این حدیث را امام مسلم رحمه الله علیه در صحیحش بشرح ذیل ذکر نموده است : «عن وائل بن حجر إنه رأى النبي رفع يديه حين دخل في الصلاة و كبر ثم وضع يده اليمنى على اليسرى» (از وائل بن حجر روایت شده که ایشان پیامبر را دیده است هنگامیکه نماز را شروع می کرد، دستهایش را بلند کرده، تکبیر می گفت و دست راست را بر دست چپ

## محل بستن دستها در نماز

می‌نهاد).

(ماخذ: مختصر صحیح مسلم باب وضع الیدین إحداهما علی الاخری فی الصلاة).

### سوم: حدیث غطیف بن حارث:

این حدیث را حافظ بن عبدالبر در (التمهید و الإستذکار) با این عبارت ذکر نموده است: « قال مهما رأیت شیئاً نسیته فإنی لم انس إنی رأیت رسول الله واضعاً یده الیمنی علی الیسری فی الصلاة » (ابن حارث روایت می‌کند که بسی اوقات شده که چیزی ببینم و فراموش کنم همانا فراموش نکردم که رسول الله را دیدم در نماز دست راست را بر دست چپ می‌نهاد). (ماخذ: تحفة الاحوذی به شرح ترمذی ج 2 ص 89 چاپ دارالفکر).

### چهارم: حدیث وائل بن حجر:

سند و متن این حدیث در مصنف ابن ابی شیبیه به این شرح است: « حدثنا وکیع عن موسی بن عمیر عن علقه بن وائل بن حجر عن أبیه قال: « رأیت النبی وضع یمینه علی شماله فی الصلاة: » (پیامبر خدا را دیدم که در نماز دست راست را بر دست چپ گذاشت). (مصنف ابن ابی شیبیه جلد 1 صفحه 427 با تحقیق سعید لحام چاپ دارالفکر).

### پنجم: حدیث ابن ابی المخارق البصری:

عن عبدالکریم بن ابی المخارق البصری أنه قال: من کلام النبوه: « إذا لم تستح فافعل ما شئت و وضع الیدین احدهما علی الاخری فی الصلاة یضع الیمنی علی الیسری » (از عبدالکریم بن ابی المخارق بصری، روایت است که از کلام نبوت است که هرگاه شرم نکردی هرچه می‌خواهی بکن و نهادن یک دست بر دست دیگر در نماز به این صورت که دست راست را بر دست چپ بگذارد.) (مواخذ: مؤطا امام مالک صفحه 111 باب وضع الیدین احدهما علی الاخری فی الصلاة شماره 376).

### مبحث اول:

#### احادیث صحیح نبوی در مورد بستن دست ها بر سینه:

در این باب کوشش بعمل خواهد آمد تا آنچه احادیث صحیحه که در مورد بستن دست ها بر سینه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده، بیان گردد.

#### اول: حدیث وائل بن حجر رضی الله عنه:

« صلیت مع رسول الله علیه وسلم فوضع یده الیمنی علی یده الیسری علی صدره » (وائل بن حجر رضی الله عنه می‌گوید: « با پیامبر خدا نماز خواندم دست راستش را بر دست چپ و بر سینه می‌نهاد). (ماخذ: صحیح ابن خزیمه شماره 479 و ابوالشیخ این حدیث را در طبقات محدثین جلد 2 صفحه 258 تخریج کرده است).

#### دوم: حدیث هلب طائی رضی الله عنه:

قال حدثنا یحیی بن سعید عن سفیان، حدثنا سماک عن قبیصه بن هلب عن أبیه قال: « رأیت رسول الله ینصرف عن یمینه و عن یساره و رأیته یضع هذه علی صدره و وصفه یحیی الیمنی علی الیسری فوق المفصل » (قبیصه بن هلب طائی رضی الله عنه می‌گوید: « پیامبر خدا را دیدم که (با اشاره دستها) اینها را روی سینه می‌گذاشت یحیی (راوی) دست



## محل بستن دستها در نماز

راست را روی مفصل دست چپ گذاشت). (ماخذ: مسند امام احمد 226/5)

### سوم: حدیث طاووس رضی الله عنه :

این حدیث را ابو داوود در مراسل اش روایت کرده است: قال حدثنا ابو توبه حدثنا الهيثم يعني ابن حميد ثور عن سليمان بن موسى عن طاووس قال: «كان رسول الله يضع يده اليمنى على يده اليسرى ثم يشدّ بهما على صدره و هو في الصلاة» (طاووس رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله در نماز دست راست را بر دست چپ می‌نهد و بر سینه می‌بست). (ماخذ: ر. ك. ابوداود در سنن شماره 756/ با تحقیق محمد محی الدین در مراسیل شماره 32/).

### بررسی احادیث متذکره از لحاظ علوم حدیث:

یادداشت:

قبل از همه باید متذکر شد که اهل سنت و جماعت بجزء برخی از پیروان مذهب امام مالک و دیگر پیروان سایر مذاهب، در بستن دستها در نماز اتفاق نظر دارند. اما اینکه دستها در کجا بسته شود یعنی در مورد محل بستن دست، نظریات مختلفی ارائه داشته اند.

در مورد حدیث وائل باید گفت که این حدیث را ابن خزیمه در صحیحش نیز روایت کرده است. همچنان این حدیث در صحیح مسلم نیز بدون لفظ (تحت السره) روایت شده است.

### ابن سیدالناس در شرح ترمذی می‌گوید:

ابن خزیمه گفته است این حدیث صحیح است و شیخ محمد قاسم سندی حنفی در رساله‌ای که (فوز الکرام) نامیده می‌گوید:

آنچه من معتقدم این است که این حدیث با شرایط ابن خزیمه صحیح است و از روش حافظ ابن حجر نیز در الإتحاف همین برمی‌آید، او می‌گوید: از قول ابن سیدالناس چنین برمی‌آید که این حدیث صحیح است و پس از ذکر حدیث وائل در شرح جامع ترمذی می‌گوید: این حدیث را ابن خزیمه صحیح دانسته است.

ابن امیر الحاج که در تحقیق و آگاهی به درجه‌ی استادش ابن همام رسیده است در (شرح المنیه) مینویسد: قطعاً آنچه از سنت ثابت است: اینست که در نماز دست راست بر دست چپ گذاشته شود، حدیث ثابت و صحیحی - از نظر متن و سند - نیست که به موجب آن محل بستن دستها مشخص شده باشد به جز حدیث وائل بن حجر رضی الله عنه که در آن آمده، دستها بر سینه بسته شود. و مؤلف (بحر الرائق) شرح کنز الدقائق نیز به این باور است که محل بستن دستها فقط روی سینه از پیامبر ثابت است. شیخ محمد حیات سندی حنفی در (فتح الغفور) مطالب فوق را ذکر کرده است.

شوکانی در نیل الاوطار پس از ذکر حدیث وائل می‌گوید: این حدیث را ابن خزیمه روایت کرده و صحیح دانسته است.

حافظ ابن حجر در فتح الباری - شرح صحیح بخاری - پس از ذکر حدیث سهل بن سعد رضی الله عنه می‌نویسد: راوی این حدیث بیان نکرده است که دستها کجا بسته شود!؟ اما



## محل بستن دستها در نماز

ابن خزیمه حدیث وائل را روایت کرده است که در آن آمده رسول الله دستهایش را در نماز بر سینه بسته است و در روایت (الیزار) آمده (عند الصدر) و نیز امام احمد حدیث هلب را که همانند این دو روایت است، نقل کرده است، و امام احمد در زیادات مسند از حدیث علی روایت کرده است که پیامبر دستهایش را زیر ناف بسته است لیکن اسناد آن ضعیف است این نظر ابن حجر است در شرح بخاری 224/2. میتوانید ملاحظه فرمایید و از ظاهر سخن ابن حجر چنین بر می آید که حدیث وائل را که ابن خزیمه روایت کرده صحیح و یا حداقل حسن است، زیرا او این حدیث را در این بحث آورده تا محل بستن دستها را مشخص کند، و سه حدیث در این باره ذکر کرده که عبارتند از:

1. حدیث وائل بن حجر رضی الله عنه، ابن خزیمه روایت کرده است.
  2. حدیث هلب رضی الله عنه.
  3. حدیث علی رضی الله عنه - که هر دو حدیث را امام احمد روایت کرده است.
- پس از ذکر حدیث، علی رضی الله عنه که در آن آمده: سنت است دستها را زیر ناف ببندیم می گوید: سند این حدیث ضعیف است. و درباره ی حدیث وائل و هلب چیزی نگفته است، اگر حدیث وائل و هلب به نظر ابن حجر ضعیف می بود قطعاً بیان می کرد، زیرا در مقدمه ی فتح الباری چنین گفته است: هر بایی که می آورم، اول حدیث آن باب را ذکر می کنم و سپس مناسبت باب را با حدیث اگر پوشیده باشد توضیح می دهم و سپس هر چه مربوط به آن باب باشد به فرض، صحت حدیث می آورم اعم از: فوایدی که مربوط به متن و سند حدیث، از کامل کننده ها و افزوده ها حدیث باشد و یا آنچه از مطالب پوشیده و غیر واضحی که حدیث را بیان کند و یا راوی مدلسی که در روایت آن تصریح شده که حدیث را شنیده و یا حدیث متابعی که راوی پیش از (اختلاط) از استادی شنیده، بیان می کنم. همه ی اینها را از منابع اصیل اعم از کتاب مسند یا جامع یا مستخرج یا جزءها و فواید با شرط صحیح یا حسن بودن، گرفته ام.

این که ابن حجر در آغاز کتابش می گوید: حدیث را با شرط صحیح یا حسن بودن می آورم بیان گر این است که حدیث وائل و هلب بنظر او صحیح و یا حسن بوده است. و حافظ ابن حجر در «الدراية علی تخریج احادیث الهدایه» (کتاب درسی مدارس احناف ر. ک. 101/1 به الدراية علی تخریج احادیث هدایه - در حاشیه چاپ شده است.) پس از ذکر حدیث وائل که ابن خزیمه روایت کرده، در بحث مربوط می گوید: این حدیث همان حدیثی است که امام مسلم در صحیحش بدون لفظ (علی صدره) روایت کرده است. از ظاهر سخن ابن حجر چنین بر می آید که متن و سند ابن خزیمه همان است که مسلم بدون ذکر محل نهادن دستها ذکر کرده است.

### نتیجه اول :

### درمورد محل بستن دستها :

در نتیجه حدیث وائل بن حجر که ابن خزیمه آنرا روایت کرده است صحیح، قابل استدلال و حجت است و از آن ثابت میشود که محل بستن دستها بر سینه صحیح و استدلال به آن کامل است.

یکی دیگر از روایات، حدیث هلب طائی است رضی الله عنه که امام احمد در مسندش

## محل بستن دستها در نماز

روایت کرده است که تمام راویان آن ثقه و اسناد آن صحیح است. ( مواخذ : (التقريب) و یحیی بن سعید، ابو سعید قطان بصری است او حافظ و حجّت در حدیث و یکی از ائمه‌ی جرح و تعدیل است، حافظ در تقریب می‌گوید: « او ثقه، حافظ، فقیه، عابد، امام و حجّت در حدیث است».

سماک بن حرب بن اوس بن خالد ذهلی بکری کوفی، کنیه‌اش ابو مغیره و صدوق (راستگو) است و فقط روایت او از عکرمة مضطرب است و در آخر عمرش تغییر کرده است. در حالی که او این حدیث را از قبیصه روایت می‌کند و نیز با تغییر کردنش در آخر عمر، این حدیث خدشه‌دار نمی‌شود زیرا این حدیث را سفیان از او روایت کرده و سفیان از افرادی است که در اوایل از او حدیث شنیده است. و قبیصه نیز ثقه و پدرش صحابی است.

### نتیجه دوم:

#### درمورد محل بستن دستها :

که از حدیث هلب رضی الله عنه در مورد بستن دستها «حسن» است و مؤلف آثار السنن اعتراف کرده که اسناد حدیث هلب رضی الله عنه حسن است، بنابراین استدلال از این حدیث بر نهادن، دستها در نماز بر سینه صحیح است. و یکی دیگر از روایاتی که در آن تصریح شده پیامبر صلی الله علیه وسلم دستها را بر سینه بسته است، حدیث طاووس است که ابوداود در مراسیلش روایت کرده است و بیهقی در «المعرفه» می‌گوید: این حدیث مرسل است، زیرا طاووس تابعی است و اسناد این حدیث حسن می‌باشد، و حدیث مرسل نزد امام ابوحنیفه و مالک و احمد مطلقاً حجّت است.

امام شافعی معتقد است زمانی حدیث مرسل حجّت است که از طریقی دیگر بصورت مسند یا مرسل روایت شده باشد و حدیث مرسل را تقویت کند، این در حالی است که این مرسل - حدیث طاووس - بوسیله‌ی حدیث وائل و هلب طائی که ذکر کردیم تقویت شده است، بنابراین استدلال به این حدیث طاووس نیز بر بستن دستها بر سینه در نماز صحیح است.

علامه شمس الحق عظیم آبادی در شرح ابوداود در مورد بستن دستها بر سینه می‌نویسد: در مورد بستن دستها بر سینه دو حدیث صحیح وجود دارد که عبارتند از:

1- حدیث هلب رضی الله عنه که امام احمد در مسند روایت کرده است به شرح زیر می‌باشد: « قال أخبرنا يحيى بن سعيد عن سفیان حدثنا سماك عن قبیصه بن هلب عن أبيه قال: « رأيت رسول الله ينصرف على يمينه و عن يساره و رأيت يرضع هذه على صدره و وصف يحيى اليمنى على اليسرى فوق المفصل » و رواة هذا الحديث كلهم ثقات. ( خواننده محترم ! اگر خواسته باشید در مورد موضوع معلومات بیشتری بدست آرید ،مراجعه نماید ، به عون المعبود شرح ابوداود (2/326)

### ترجمه :

پیامبر خدا را دیدم که از سمت راست و چپ روی بر می‌گرداند و دیدم که اینها را بر سینه می‌گذاشت و یحیی نحوه‌ی گذاشتن دستها را نیز توصیف کرده که دست راست را بر

## محل بستن دستها در نماز

دست چپ و بر مچ دست می‌نهد. و تمام راویان این حدیث ثقه هستند.  
2- حدیث وائل بن حجر رضی الله عنه به این شرح است: «صلیت مع رسول الله فوضع يده اليمنى على اليسرى على صدره» ترجمه: «با رسول الله نماز خواندم دست راستش را بر دست چپ و بر سینه نهاد».  
و ابن قدامة در المغنی می‌نویسد: از امام احمد روایت است که دستهایش را بالاتر از ناف و روی سینه می‌گذاشت و قول سعیدبن جبیر و شافعی نیز همین است، و دلیل این حدیث وائل بن حجر است.

### بررسی احادیثی بستن دست ها در زیر ناف: خواننده محترم!

در این بخش توجه و اهتمام خوانندگان محترم را به آنچه از احادیث جلب می‌نمایم، که تعداد از علماء و فقها آنرا به مراجعه از کتب احادیث در مورد محل بستن دست ها در نماز در زیر ناف استناد نموده اند. مهمترین این روایات عبارتند از:

#### اول: حدیث وائل بن حجر رضی الله عنه:

روایتی به مصنف ابن ابی شیبیه داده شده به شرح زیر می‌باشد: قال حدثنا وكيع عن موسى بن عمير عن علمقة بن وائل بن حجر عن أبيه قال: «رأيت النبي يضع يمينه على شماله تحت السر» (پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیدم که دست راستش را بر دست چپ و زیر ناف نهاد بود).  
حافظ قاسم بن قطلوبغا در تخریج احادیث «الاختیار شرح المختار» می‌گوید: رجال این حدیث ثقه هستند و طحاوی در آثار السنن پس از ذکر حدیث می‌گوید: «صحيح الاسناد» مبارکپوری در «تحفه الاحوذی» می‌گوید: اگرچه اسناد این حدیث «جید» است لیکن در ثبوت لفظ «تحت السر» یعنی: (بستن دستها در زیر ناف قویاً ایراد وارد است).  
شیخ محمد حیات سندی در رساله خویش: «فتح الغفور فی تحقیق وضع الیدین علی الصدور» مینویسد: ( فتح الغفور صفحه 35-37 رک الدرہ فی اظهار غش نقد السرہ) در اینکه افزوده‌ی «تحت السر» در حدیث باشد ایراد وارد است و حتی غلط می‌باشد و منشأ آن اشتباهی است که اتفاق افتاده، زیرا من به نسخه‌های صحیح مصنف ابن ابی شیبیه مراجعه کرده‌ام و این حدیث را با همین سند و الفاظ دیدم اما لفظ «تحت السر» در آن نبود و بعد از این حدیث اثر نخعی است که الفاظ آن با الفاظ این حدیث نزدیک است و در آخر اثر نخعی لفظ «تحت السر» وجود دارد. شاید چشم نویسنده از يك سطر به سطر دیگر کج شده و لفظ اثر نخعی در حدیث مرفوع داخل شده است.  
نویسنده‌ی رساله «الدرة فی اظهار غش نقد السرة» مینویسد:  
و اما حدیث وائل که ابن ابی شیبیه روایت کرده و از آن بر بستن دستها زیر ناف استدلال می‌کنند، بر آن اعتراضات زیادی وارد است.  
این حدیث را ابن ابی شیبیه روایت کرده است و پس از آن اثر نخعی را آورده و الفاظ این دو به یکدیگر نزدیک است و در آخر اثر نخعی لفظ «تحت السر» است و نسخه‌های چاپی متفاوت است و در برخی نسخه‌ها، حدیث مذکور نقل شده بدون اینکه محل گذاشتن

## محل بستن دستها در نماز

دستها در آن تعیین باشد و اثر مذکور هم پس از آن وجود دارد ولی در برخی نسخه‌های دیگر حدیث، با افزوده‌ی «تحت السره» بدون نقل اثر نخعی آورده شده که منشأ این اختلاف در نسخه‌ها اینست که کاتب، اشتباه نموده و لفظ «تحت السره» که در اثر وجود داشته، وارد حدیث شده و از اختلاف دو نسخه چنین بر می‌آید که لفظ اثر بر حدیث مرفوع افزوده شده باشد.

### خلاصه کلام :

آنچه قاسم بن قطوبغا از مصنف ابن ابی شیبیه نقل کرده قابل اعتماد نیست و اعتبار ندارد، زیرا در مصنف خلاف مقصود اوست.

### مبارکپوری می‌گوید:

از آنچه سخنان این بزرگان را تأیید می‌کند اینست که: همین حدیث را امام احمد در مسندش دقیقاً با همین سند ابن ابی شیبیه روایت کرده و در آن افزوده‌ی «تحت السره» نیست. روایتی که در مسند است به این شرح می‌باشد:

«حدثنا وكيع حدثنا موسى بن عمير العنبري عن علقه بن وائل الحضرمي عن أبيه قال: «رأيت رسول الله واضعاً يمينه على شماله في الصلاة»: (رسول الله را دیدم که در نماز دست راستش را بر دست چپ نهاده بود). و نیز دارالقطنی دقیقاً با همین سند ابن ابی شیبیه این حدیث را روایت کرده است و در آن افزوده‌ی «تحت السره» وجود ندارد.

### حدیث مسند در «دارالقطنی» به این شرح است:

حدثنا الحسين بن اسماعيل و عثمان بن جعفر بن محمد الأحول قال حدثنا يوسف بن موسى اخبرنا وكيع نا موسى بن عمير العنبري عن علقه بن وائل الحضرمي عن أبيه قال: «رأيت رسول الله واضعاً يمينه على شماله في الصلاة». و از آنچه مؤید مدرج بودن لفظ «تحت السرة» در حدیث ابن ابی شیبیه است اینست که: ابن ترکمانی - استاد حافظ زیلعی حنفی مؤلف کتاب «نصب الرایه» در «الجواهر النقی» به تأیید مذهبش دو حدیث ضعیف ذکر کرده است، آنجا که می‌گوید: ابن حزم گفته است: از ابوهریره رضی الله عنه روایت کردیم که «وضع الكف على الكف في الصلاة تحت السره»: (از ابوهریره رضی الله عنه: روایت است که: «در نماز نهادن کف دست بر پشت دست دیگر زیر ناف است).

### دومین روایت در این باب :

دومین روایت که در مورد گذاشتن دستها در زیر ناف مورد استناد قرار گرفته است حدیثی حضرت انس است به این شرح: «عن انس قال: ثلاث من اخلاق النبوة تعجيل الإفطار و تأخير السحور و وضع اليد اليمنى على اليسرى في الصلاة تحت السره»: (سه چیز از اخلاق نبوت است: تعجیل در افطار و تأخیر در خوردن سحری و نهادن دست راست بر دست چپ زیر ناف).

قبل از این دو حدیث ضعیف اثر مجلز را از مصنف ابن ابی شیبیه نقل کرده آنجا که می‌گوید: «قال ابن ابی شیبیه فی مصنفه: ثنا یزید بن هارون أخیر الحجاج بن حسان سمعت أبا مجلز أو سألته قلت: كيف أضع؟ قال: يضع باطن كف يمينه على ظاهر كف شماله يجعلهما

## محل بستن دستها در نماز

أسفل من السره».

حجاج بن حسان می‌گوید:

از ابو مجلز شنیدم، یا از او سؤال کردم، دستهایم را چگونه بگذارم؟ گفت: کف دست راست را بر پشت دست چپ و پایین‌تر از ناف بگذار. ابن ترکمانی از مصنف ابن ابی شیبیه غیر از این اثر روایت دیگری را نقل نکرده است. بنابراین پیداست که در حدیث وائل در مصنف افزوده‌ی «تحت السره» نبوده است، زیرا اگر این افزوده در حدیث می‌بود قطعاً ابن ترکمانی آن را نقل می‌کرد و بسیار بعید می‌رسد که ابن ترکمانی به تأیید مذهبش دو حدیث ضعیف نقل کند. و از مصنف ابن ابی شیبیه هم اثر ابو مجلز را بی‌اورد ولی حدیث مرفوعی که در آن افزوده‌ی «تحت السره» باشد و سند آن هم صحیح باشد، نقل نکند.

و دیگر آنچه که مؤید این مدعاست، گفتار شیخ محمد حیات سندی است که در رساله‌ی فتح الغفور می‌گوید: از آنجایی که بسیاری از محدثین حدیث مصنف را روایت کرده‌اند و در آن ذکری از لفظ «تحت السره» نیست و کسی از علماء را ندید و حتی نشنیدم که این حدیث را با این افزوده

روایت کند. بجز قاسم!!! لذا می‌گوییم این افزوده مدرج است و از حدیث نیست. ابن عبدالبر که حافظ حدیث در دوران خودش بوده در «التمهید» می‌گوید: «ثوری و ابوحنیفه گفته‌اند: در نماز دستها را زیر ناف ببندید، و از علی و ابراهیم نخعی هم این‌گونه روایت شده، لیکن به اثبات نرسیده است که آن‌ها چنین گفته باشند، اگر این حدیث را با الفاظ مذکور صحیح و در مصنف ابن ابی شیبیه می‌بود قطعاً ذکر می‌کرد زیرا ابن عبدالبر در این باب و دیگر ابواب به کثرت از ابن ابی شیبیه حدیث نقل کرده است. و حافظ ابن حجر که در عصر خود نظیر نداشته است در فتح الباری می‌گوید: ابن خزیمه حدیث وائل را روایت کرده که در آن آمده: «پیامبر صلی الله علیه وسلم دستهای مبارک را در نماز بر سینه می‌نهاد».

و در «البرزار» آمده «عندالصدر» به معنی بر کنار سینه و در حدیث هلب نیز شبیه اینها آمده و در تخریج احادیث هدایه می‌گوید: اسناد اثر علی ضعیف است و با حدیث وائل که می‌گوید: با پیامبر اکرم نماز خواندم دست راستش را بر دست چپ و بر سینه نهاد، معارض است. (موخذ: ر. ک. به فتح الباری کتاب الأذن حدیث 740 صفحه 262 دارالریان للتراث 87 وضع الیمنی علی الیسری )

همچنان در تخریج رافعی نیز به همین اشاره کرده اگر این افزوده‌ی مصنف صحیح می‌بود قطعاً ذکر می‌کرد این در حالی است که کتابهای او سرشار از روایات مصنف است و سیوطی در شرح «الفیه» می‌گوید: ابن حجر مصنف را مختصر کرده است و حافظ زیلعی که از آگاهترین علمای احناف است و برای گردآوری دلائل مذهبش آستین بالا زده و در این زمینه تلاش گسترده نموده، حدیث صحیحی در این باره پیدا نکرده اگر پیدا می‌کرد بدون تردید ذکر می‌کرد.

سیوطی که در زمان خود حافظ حدیث بوده است در «وظائف الیوم والیله» می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم دست راست را بر دست چپ گذاشته و بر سینه می‌بست. و

## محل بستن دستها در نماز

این در حالی است که سیوطی در «جامع الکبیر» در مسند وائل تقریباً 9 حدیث از مصنف نقل کرده است که عبارت برخی از روایات اینست که: «پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیدم که دست راستش را بر دست چپ می‌گذاشت. اگر این افزوده‌ی «تحت السره» صحیح و در مصنف می‌بود بی‌گمان سیوطی ذکر می‌کرد. علامه عینی در شرح بخاری می‌گوید:

«در مسئله‌ی بستن دستها امام شافعی حدیث وائل را که ابن خزیمه در صحیحش روایت کرده است حجت قرار داده اند و آن حدیث این است که: وائل بن حجر می‌گوید: «با پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نماز خواندم دست راستش را بر دست چپ و بر سینه نهاد».

ولی علمای احناف در مسئله‌ی بستن دستها دلایلی را مورد استناد قرار دادند که متأسفانه «موثق نیستند». اگر این افزوده در مصنف وجود داشت بدون شك عینی ذکر می‌کرد. زیرا نوشته‌های عینی مملو از روایاتی است، که از مصنف نقل کرده است. و ابن امیر الحاج که در تحقیق، تفحص و آگاهی به درجه‌ی استادش ابن همام رسیده است در «شرح المنیه» می‌گوید:

آنچه از سنت ثابت است اینست که در نماز دست راست را بر دست چپ بگذاریم و حدیثی به ثبوت نرسیده که محل گذاشتن دستها در آن تعیین باشد، بجز حدیث وائل بن حجر رضی الله عنه که ابن خزیمه روایت کرده است؛ مؤلف بحر الرائق این‌گونه از او نقل کرده است. (ر. ک. به بحر الرائق (330/1) به نقل از پاورقی هدایه الصلوه صفحه 76). اگر افزوده‌ی «تحت السره» در مصنف وجود می‌داشت و صحیح می‌بود قطعاً ابن امیر الحاج آنرا ذکر می‌کرد. و این در حالی است که شرح او سرشار از روایات مصنف است.

### برسی راویان حدیث:

طوری‌که ملاحظه میشود همه‌ی استدلال‌های که در مورد حدیث و سند آن بیان گردید، نتیجه چنین است که: صحت حدیث بستن دستها زیر ناف را خدشه‌دار می‌کند و ثابت می‌شود که حدیث وائل در مصنف ابن ابی شیبیه با افزوده‌ی «تحت السره» صحیح نیست. هر چند سند آن جید است لیکن در ثابت بودن افزوده‌ی «تحت السره» قویا ایراد وارد است و هرگز ثابت نیست. آیا می‌توانیم حدیثی که این همه علماء و صاحب نظران و محققان احناف آنرا ثابت و صحیح ندانسته و بدان توجه نکرده‌اند، باز هم بعنوان دلیل ذکر کنیم و ادعا نماییم که این حدیث صحیح است؟

آیا تعجب نیست از آنانی که تك تك رجال حدیث را مورد بازنگری قرار می‌دهند و می‌خواهند چنین جلوه دهند که در علم حدیث و رجال شناسی مهارتی دارند، اما به مصنف ابن ابی شیبیه رجوع نمی‌کنند تا بدانند که این حدیث آن‌گونه که می‌گویند نیست، شایسته است اهل تحقیق به مصنف ابن ابی شیبیه جلد 1 صفحه 427 باب 145 رجوع کنند، تا واقعیت برایشان روشن شود.

### حدیث حضرت علی در مورد بستن دستها در زیر ناف:

حدیث دیگری که توسط علماء برای اثبات بستن دستها زیر ناف به آن استدلال صورت



## محل بستن دستها در نماز

میگیرد:

حدیث حضرت علی کرم الله وجهه است: ابوداود، احمد، ابن ابی شیبیه، دارقطنی و بیهقی (رحمه الله علیهم) از ابوجحیفه روایت می‌کنند که حضرت علی گفته است: بستن دستها زیر ناف سنت است.

(در هدایه‌ی حنفی جلد 1 صفحه 96 حاشیه‌ی 2 می‌گوید: این حدیث ضعیف و بر ضعف آن اتفاق نظر وجود دارد. ر.ک الدار المنثور. سیوطی و المجموع شرح المذهب نووی).

### مبارکپوری می‌فرماید:

در سند این حدیث عبدالرحمن بن اسحاق واسطی است و مدار این حدیث بر عبدالرحمن بن اسحاق است که قابل حجت نیست.

حافظ زیلعی در «نصب الرایه» شرح هدایه پس از ذکر این حدیث می‌گوید: ابن قطن گفته است: عبدالرحمن بن اسحاق همان ابن حرب ابو شیبیه‌ی واسطی است که ابن حنبل و ابو حاتم درباره‌ی او گفته‌اند: «منکر الحدیث» است و ابن معین درباره‌اش می‌گوید: ارزشی ندارد. «لیس بشی» امام بخاری درباره‌ی او می‌گوید: «فیه نظر»، بیهقی در «المعرفه» می‌گوید: اسناد این حدیث ثابت نیست و فقط عبدالرحمن بن اسحاق واسطی آن را روایت کرده و او «متروک» است.

نووی در «الخلاصه» و «شرح مسلم» می‌گوید: این حدیثی است که بر ضعیف بودن آن اتفاق نظر وجود دارد، زیرا عبدالرحمن بن اسحاق به اتفاق علمای جرح و تعدیل ضعیف است. (به نصب الرایه شرح هدایه بحث مربوطه مراجعه شود.)  
و شیخ ابن همام حنفی در «التحریر» می‌گوید: هرگاه امام بخاری در مورد کسی بگوید: «فیه نظر» هرگز حدیث آن فرد قابل احتجاج و استشهاد نیست و نمی‌توان آنرا معتبر دانست.

با توجه به آنچه گفته شد؛ واضح است که این حدیث ضعیف است و قابل حجت نیست و نمی‌توان آن را بعنوان حدیث شاهد ذکر کرد، چون حدیثی بی اعتبار است. وانگهی این حدیث که از عی رضی الله عنه: روایت شده است، با تفسیر «والنحر» که از علی روایت است، مخالف است.

ایشان می‌گویند: «والنحر» یعنی: گذاشتن دست راست بر وسط ساق دست چپ بر سینه در نماز. این روایت را بیهقی، ابن ابی شیبیه، ابن منذر، ابن ابی حاتم، دارقطنی، ابو الشیخ، حاکم و ابن مردویه (رحمه الله علیهم) از او نقل کرده‌اند.

### فاضل ملاح داد در حاشیه‌ی هدایه می‌گوید:

وقتی حدیث بستن دستها زیر ناف ضعیف است و با اثر علی که کلمه‌ی «والنحر» را بر بستن دستها بر سینه در نماز تفسیر کرده مغایرت دارد، واجب است به حدیث وائل عمل شود، که نووی در شرح مسلم - ذکر کرده و قابل ذکر است که این حدیث علی طبق نظریه‌ی احناف منسوخ است. مؤلف «الدره فی اظهار غش نقد الصره» که حنفی است می‌گوید: ابوداود از جریر ضببی روایت می‌کند که: علی را دیدم مچ دستش را گرفته و روی ناف گذاشته بود و طبق اصلی که علمای ما احناف معتقدند: هرگاه صحابی بر خلاف روایتش عمل کند، عمل او بیانگر نسخ روایت اوست. مبارکپوری می‌گوید: اسناد



## محل بستن دستها در نماز

این اثر علی که ابوداود روایت کرده-که دستهایش را روی ناف بسته بود- صحیح است. سومین حدیث از این دسته احادیث، حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که ابوداود از ابی وائل روایت کرده است، و به این شرح است:

عن ابی وائل قال: قال ابوهریره رضی الله عنه أخذ الأکف فی الصلاه تحت السره»: (از ابو وائل رضی الله عنه روایت است که ابوهریره می‌گفت: گرفتن کف دست در نماز زیر ناف است).

مبارکپوری می‌گوید: در اسناد این روایت ابوهریره نیز عبدالرحمن بن اسحاق واسطی است.

### نتیجه اینکه:

این روایت علاوه بر این که حدیث نیست قول صحابی است، ضعیف است، و نمی‌توان آنرا بعنوان حجّت و دلیل یا شاهد یا روایتی معتبر ذکر کرد. و چهارمین حدیث حدیث انس رضی الله عنه است که آنرا ابن حزم در محلی بصورت معلق با این الفاظ ذکر کرده است: «سه چیز از اخلاق نبوت است: تعجیل در افطار، تأخیر در خوردن سحری و نهادن دست راست بر دست چپ در نماز زیر ناف.» مبارکپوری می‌گوید:

سند این حدیث را پیدا نکردم و علمای احناف، این حدیث را در کتابهایشان بعنوان حجّت، بدون سند ذکر می‌کنند و حدیث بدون سند را نمی‌توان حجّت یا شاهد قرار داده و معتبر دانست. نویسنده‌ی «الدره» می‌گوید:

در باره‌ی حدیث انس که روایت می‌کند: «من اخلاق النبوه وضع الیمین علی الشمال تحت السره» علامه عینی شارح بخاری می‌گوید: این حدیث را ابن حزم روایت کرده و سند آن مشخص نیست تا رجال آن بررسی شود و عدم ثقّه و یا ثقّه بودنشان محقق گردد و این حدیث را بسیاری از محدثین بدون افزوده‌ی «تحت السره» روایت کرده‌اند و افزوده‌ی بر حدیث زمانی پذیرفته می‌شود که راوی آن «ثقه» و معلوم باشد.

شیخ هاشم سندی در رساله‌اش که «دراهم السره» نام دارد می‌گوید: یکی از روایاتی که درباره‌ی بستن دستها زیر ناف نقل شده حدیثی است که زاهدی در شرح قدوری و ابن امیر الحاج در البحر الرائق از پیامبر روایت کرده‌اند که به این شرح است: «سه چیز از سنت پیامبران است، تعجیل در افطار، تأخیر در خوردن سحری و نهادن دست راست بر دست چپ در نماز زیر ناف»

شیخ هاشم می‌گوید: برای این حدیث سندی نیافتم، جز اینکه زاهدی افزوده که حدیث را علی از رسول الله روایت کرده است. لیکن ابن امیر الحاج و ابن نجیم گفته‌اند: کسی از تخریج کنندگان این حدیث لفظ «زیر ناف را بصورت موقوف و مرفوع ذکر نکرده‌اند.» تمام روایاتی که در مورد بستن دستها زیر ناف نقل شده و بدان استناد می‌کنند، روایات فوق است، لیکن هیچ یک از اینها صحیح نیست و قابل حجّت نمی‌باشد.

### نتیجه کلی بحث:

محدثین در تحقیقات خویش بدین نتیجه رسیده که حدیث صحیحی از پیامبر صلی الله علیه وسلم، روایت نشده که بتوان با استناد به آن بستن دستها زیر ناف را ثابت سازد.

## محل بستن دستها در نماز

شمس الحق عظیم آبادی در شرح ابو داود می‌نویسد: «از آنچه بر عدم ثبوت» تحت السرة» دلالت می‌کند اینست که امام زیلعی و عینی و ابن همام و ابن امیر الحاج و ابراهیم المجلسی و مؤلف بحر الرائق، ابن نجیم و ملا علی قاری و کسان دیگری از علمای احناف علی‌رغم شدت توجهشان به دلایل مذهب حنفی و گردآوری دلایل صحیح و سقیم، کسی از آنان این افزوده را ذکر نکرده است. اگر حدیث صحیحی با این افزوده، وجود می‌داشت قطعاً بزرگان مذکور ذکر می‌کردند. و علامه ابن همام در فتح القدير شرح هدایه به نقل از نووی در باره‌ی روایت علی می‌گوید: بر ضعیف قرار دادن این روایت اتفاق کرده‌اند چون در سند آن عبدالرحمن بن اسحاق کوفی واسطی است که بر ضعیف قرار دادن وی، اجماع شده است. (موخذ: ر.ك. فتح القدير 287/1 و برای تحقیق بیشتر در باره‌ی عبدالرحمن بن اسحاق التهذيب 136/6 و التقريب 472/1 رجوع شود.) و از دیگر ادله‌ای که برای بستن دستها زیر ناف مورد استدلال قرار داده‌اند به شرح زیر است:

1- قال ابوهريره: «اخذ الاكف على الاكف في الصلاة تحت السرة»: (گرفتن کف دست (چپ) با کف دست (راست) در نماز و گذاشتن آن در زیر ناف است).

این روایت هر چند موقوف است و از احادیث مرفوع نیست باز هم در سند آن همان عبدالرحمن بن اسحاق کوفی واسطی است که بر ضعف آن اتفاق نظر است: یعنی: ائمه‌ی جرح و تعدیل با اتفاق او را ضعیف دانسته‌اند. ( ر.ك. نصب الراية حافظ زیلعی حنفی 313/1 باب من السنة وضع اليمين على الشمال... ).

این روایت را که ابو داود نقل کرده پس از آن می‌گوید: شنیدم احمد بن حنبل عبدالرحمن بن اسحاق را ضعیف می‌داند. ( ر.ك. به ابو داود/ 130 ش/ 758 . ).

ابو داود گوید: از سعید بن جبیر روایت شده که دستها بالاتر از ناف بسته شود و ابو مجلز گوید زیر ناف بسته شود و از ابوهریره نیز به همین صورت روایت است اما قوی نیست.

نتیجه این که روایت ابوهریره همانند روایت علی ضعیف است و به گواهی علمای احناف مانند: حافظ زیلعی، عبدالحی لکنوی و ابن همام؛ ضعیف است و بر ضعف آن اتفاق نظر وجود دارد.

2- ابو مجلز گوید دستها را زیر ناف بگذارد. این روایت از ابو مجلز است و ابو مجلز تابعی است و نظریه تابعی حجت نیست. ( موخذ: مصنف ابن ابی شیبه 390/1 و آثار السنن 69/1 )

3- از ابراهیم نخعی روایت است که گفت:

«در نماز دستها را زیر ناف بگذار». ( ابراهیم نخعی نیز تابعی است و قولش حجت نیست. و نیز روایاتی که به ثوری و اسحق نسبت داده‌اند به فرض این که صحیح باشند باز هم بدلیل این که قول تابعی است، حجت نیست. ) ( موخذ: مصنف ابن ابی شیبه و آثار السنن 69/1 )

### پس دستها در کجا گذاشته شود؟

از بررسی نظریات محدثین که در فوق به تفصیل بیان یافت، باید به نتیجه نهایی و کلی

## محل بستن دستها در نماز

دست یافت که دستها در وقت نماز در کجا بسته شود: آیا دستها در روی ناف بسته شود؟ یا بالاتر از ناف و یا هم دستها زیر سینه کدام یکی از این روایات صحیح است؟ شیخ مبارکپوری می‌گوید:

حدیث مرفوعی را سراغ ندارم که بر بستن دستها روی ناف یا پایین‌تر از سینه دلالت کند. فقط يك اثر از علی نقل شده است که علی دستهایش را بالاتر از ناف بسته است. این حدیث را ابو داود با سند صحیح و یا حسن روایت کرده است اما این اثر از عمل علی ثابت است و حدیث مرفوع نیست، وانگهی در این حدیث آمده که علی بالاتر از ناف دستهایش را بسته است از ظاهر این حدیث می‌توان استنباط نمود که دستهایش را بر جایی بالاتر از ناف یعنی: بر روی سینه یا کنار سینه بسته است. (ر. ک. تحفة الاحوذی (89/2))

«نظریه‌ی ابوالحسن حنفی معروف به سندی» ابوالحسن حنفی سندی در شرح ابن ماجه در «باب وضع الیمن علی شمال فی الصلاه» می‌نویسد: «قوله فیأخذ شماله بيمينه.» در حدیث قبیصه بن هلب رضی الله عنه در مسند آورده است: «رأیت رسول الله یضع یده علی صدره و یأخذ شماله بيمينه»: (رسول الله را دیدم که دستهایش را بر سینه گذاشته بود در حالیکه با دست راستش، دست چپش را گرفته بود). در صحیح ابن خزیمه از وائل بن حجر رضی الله عنه: روایت است که: «صلیت مع رسول الله صلی الله علیه وسلم فوضع یده الیمنی علی یده الیسری علی صدره»: (با رسول الله نماز خواندم دست راستش را بر دست چپ و بر سینه‌اش گذاشت). و ابوداود از طاووس روایت کرده است که: «کان رسول الله یضع الید الیمنی علی یده الیسری ثم یشد بهما علی صدره»: (رسول الله در نماز دست راستش را بر دست چپ می‌نهاد و بر سینه می‌بست. این حدیث اگرچه مرسل است لیکن حدیث مرسل در نزد تمام (احناف) حجت است).

### خلاصه بحث بستن دستها در نماز:

در نتیجه و خلاصه بحث بستن دستها در نماز باید گفت: همانطور که بستن دستها در نماز ثابت و دست باز نماز خواندن از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت نیست، همین‌طور ثابت است که محل گذاشتن و بستن دستها در نماز سینه است نه جایی دیگر؛ و در مورد حدیث: «إن من السنه وضع الکف فی الصلاه تحت السره» باید بگوییم که بر ضعیف بودن آن اتفاق نظر وجود دارد، ابن همام همین‌گونه از نووی نقل کرده و بر آن سکوت نموده است. (موخذ: ر. ک. به شرح ابن ماجه جلد 1/270-271 باب مذکور).

### علامه عینی در شرح ابو داود می‌نویسد:

بخاری از سهل ابن سعد رضی الله عنه: روایت کرده است که: «در زمان رسول خدا به مردم دستور داده می‌شد که مردم دست راست را بر دست چپ و بر سینه بگذارند و مسلم از وائل ابن حجر روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم دست راستش را بر دست چپ گذاشته بود.»

ابن خزیمه روایت کرده است که: «پیامبر خدا دست راستش را بر دست چپ می‌گذاشت.» در يك لفظ آمده که با دست راست دست چپ را می‌گرفت و در لفظ دیگر

## محل بستن دستها در نماز

آمده، دستها را بر سینه می‌گذاشت و بیهقی از حدیث عمرو بن مالك النکری از ابوالجوزاء از ابی عباس عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند که آیهی «فصل لربك و النحر» یعنی: «گذاشتن دست راست بر دست چپ در نماز روی سینه است. (مؤخذ: ر. ک. به شرح ابو داوود بدر الدین عینی جلد 3/350 مکتبه الرشد الرياض).

### و قاضی عیاضی در شرح مسلم می‌نویسد:

در مورد نهادن دستها در نماز اختلاف شده است. گفته می‌شود بر سینه گذاشته شود و این از پیامبر خدا روایت است و گفته‌اند بر نحرگاه گذاشته شود و این به نظریه‌ی اولی نزدیک است و پس از ذکر دیگر نظریات در این باره می‌نویسد: از علی روایت است که در تفسیر آیهی «فصل لربك و النحر» گفته است: معنای آن اینست که: «در نماز دست راست بر دست چپ و بر سینه یا نحرگاه بگذارد». (مؤخذ: به إكمال المعلم شرح صحیح مسلم جلد 2/291 باب وضع الیمنى علی الیسرى چ دار الوفاء).  
خواننده محترم!

برای تحقیق بیشتر در مورد تفسیر «فصل لربك و النحر» می‌توانید به تفاسیری همچون:

- 1- روح المعانی تألیف آلوسی حنفی جلد 30/664 چ دار احیاء التراث العربی
- 2- جامع البیان عن تأویل آیه القران معروف به تفسیر طبری جلد 30/396 تألیف محمد بن جریر طبری با تحقیق محمد شاکر چ دار احیاء التراث العربی
- 3- تفسیر بغوی، تألیف ابی محمد الحسین بن مسعود الفراء البغوی - شافعی با تحقیق عبدالرزاق المهدی جلد 5/316 چ دار احیاء التراث العربی
- 4- درالمنثور، سیوطی (8/450) و تفسیر مظهری قاضی ثناء الله پانی پتی و عموم تفاسیر رجوع کنید.

### نظریه ی علامه نیموی در مورد حدیث

#### «تحت السره» علقه بن وائل با افزودن

نیموی در آثار السنن می‌گوید: اگرچه افزوده‌ی «تحت السره» بدلیل اینکه در بیشتر نسخه‌های مصنف هست، صحیح است، لیکن با روایات «ثقات» مخالف است، بنابراین همانند افزوده‌ی «علی الصدر» در روایات ابن خزیمه غیر محفوظ است و علی‌رغم مخالفت با ثقات در حدیث اضطراب نیز وجود دارد همانطور که گفته شد، اگرچه سند آن صحیح است لیکن متن آن ضعیف است. (مراجعه شود به آثار السنن 91/ط/ مکتبه امدادیه ملتان پاکستان).

مولانا خلیل احمد سهارنپوری در بذل المجهود شرح ابو داوود پس از ذکر حدیث وائل رضی الله عنه: که ابن ابی شیبیه روایت کرده است می‌گوید: لفظ «تحت السره» در نسخه‌های موجود ابن ابی شیبیه نیست. (مؤخذ: بذل المجهود جلد 4/477 چ دارالکتب العلمیه).

دیدگاه مولانا ظفر احمد عثمانی در خصوص حدیث وائل بن حجر با افزوده‌ی «علی الصدر» مولانا ظفر احمد عثمانی در اعلاء السنن پس از بحثی نسبتاً طولانی در خصوص بستن دستها می‌گوید: وقتی مرسل طاووس با حدیث وائل بن حجر - که در هر دو آمده رسول الله دستهایش را روی سینه‌اش بسته است - جمع کنیم.

## محل بستن دستها در نماز

### در نتیجه:

حدیث و ائیل قوی می‌شود و از آن جایی که مرسل در نزد ما حجت است، لذا بر ما لازم است که یا جواب دهیم و یا عمل کنیم اما پس از این به ترجیح روایت علی می‌پردازد که به اتفاق ضعیف است. ( موخذ : إعلاء السنن 686/2 چاپ دار الفکر).  
گفتنی است که، در پاورقی 686/2 اعلاء السنن می‌نویسد: مرسل طاوس را ابوداود در مراسیل به ش/759 با اسناد صحیح روایت کرده است این روایت هر چند مرسل است اما مرسل در نزد تمام علماء - با اختلاف مذاهبشان در خصوص مرسل- حجت است و سند این روایت بصورت مرسل صحیح است و از طرق دیگر بصورت متصل نیز روایت شده است لذا در نزد تمام علماء حجت است.  
امام اسحاق بن راهویه به این سنت صحیح عمل کرده است مروزی در «المسائل» صفحه 222/ روایت کرده است: «اسحاق بن راهویه با ما وتر می‌خواند ... و دستهایش را در قنوت بلند می‌کرد و در نماز دستهایش را روی سینه می‌بست...».

### یادداشت:

در این هیچ جای شکی نیست که برخی از علماء و فقهای دین در مورد بستن دست در نماز فرقی در بین زن ها و مرد بیان داشته اند مگر با دقت تام باید بعرض برسانم که در مورد بستن دستها در نماز و دیگر ارکان، واجبات و سنتها هیچ فرقی بین نماز خواندن مرد و زن نیست و حتی يك روایت صحیح هم در این مورد وجود ندارد که از آن فرقی بین نماز زن و مرد ثابت شود.  
خطاب پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم، بسیار واضح ودقت فورمولبندی شده و بصورت عام خطاب به زن و مرد فرموده است: (همانطور که دیده‌اید من نماز می‌خوانم، نماز بخوانید) (بخاری)  
امام بخاری در تاریخ الکبیر با سند صحیح از ام درداء که یکی از زنان فقیه صحابه بوده است نقل می‌کند، که ایشان در نماز همانند مردان می‌نشست و ابراهیم نخعی که از بزرگان تابعین و از فقهای بنیان گذاران فقه حنفی بشمار می‌رود، می‌گوید: در نماز زن همان عملی را انجام دهد که مرد انجام می‌دهد. ابن ابی شیبہ (2/75/1).

### یادداشت توضیحی :

ارگان نماز بدو قسم است ، ارگان داخلی نماز که هیچگونه فرقی بین نماز مرد وزن وجود ندارد .  
ولی در ارگان خارجی نماز ، برخی تفاوت های است که علماء آنرا نیز بیان داشته اند . اما اینکه برخی علماء در تحقیقات خویش حکم نموده اند که : زنان در سجده باید خود را بیشتر از مردها جمع نمایند، صحیح نیست! زیرا دلیلی بر این ادعا در شرع وجود ندارد. و حتی زنان نیز مانند مردها می توانند که در تشهد اول بصورت افتراش و در تشهد دوم بصورت تورک بنشینند و دلیلی وجود ندارد که در این موارد با مردها متفاوت باشند.  
شیخ عبدالعزیز ابن باز رحمه الله در مورد تفاوت نماز زنان و مردان می گوید: « فرقی بین نماز زنان و مردها وجود ندارد، و آنچه برخی از فقها گفته اند که بین نماز زن و

## محل بستن دستها در نماز

مرد فرق وجود دارد، دلیلی بر آن ادعا موجود نیست، و حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم که می فرمایند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» یعنی: «نماز بخوانید چنانکه می بینید من نماز می خوانم»، برای تمامی مکلفین از زن و مرد عام است، و همچنین مابقی تشریعات و احکام اسلامی نیز برای زنان و مردان عام است (و فرقی برای زن و مرد وجود ندارد) مگر اینکه بفرق بین آندو دلیل صحیحی وجود داشته باشد که (آن حکم را) تخصیص کرده باشد؛ پس سنت است که زن همانند مرد در رکوع و سجود و قرائت و قرار دادن دستها بر روی سینه نماز بخواند، و همچنین هنگام رکوع دستهایش را بر روی زانوهایش بگذارد و در سجده نیز همانند مردها کف دو دست خود را روبروی دو گوش یا شانه هایشان بر زمین می گذارند، و همانند مردها از رکوع بلند شود و مانند آنها اذکار رکوع و سجود و نیز اذکار بعد از بلند شدن از رکوع و سجود را بگوید، و همه ی آنها همانند مردان است.

امام موضوع آذان و اقامه با مسئله ی نماز متفاوت است زیرا آندو خارج از خود نماز هستند و اقامه و آذان مخصوص مردها است و این امر با دلیل وارد شده است که مردها آذان و اقامه می کنند اما زنان نه اقامه و نه آذان گویند، و در مسئله ی جهر در رکعتهای اول و دوم نمازهای صبح و مغرب و عشاء نیز زنان بمانند مردها باید (فاتحه را) با جهر بخوانند. (شیخ عبد العزیز بن باز رحمه الله «فتاوی نور علی الدرب» (799/2).  
(البته منظور آنست که اگر برای دسته ای از زنان، زنی امامت نمود، او باید در دو رکعت اول نمازهای مذکور فاتحه را بصورت جهر بخواند و زنی از میان آنها می تواند اقامه کند).

خلاصه اینکه؛ هیچگونه فرق و تفاوتی مابین نماز مردها با زنان وجود ندارد و کسی که چنین ادعایی داشته باشد لازمست برای ادعای خود دلیل صحیح از کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم داشته باشد وگرنه قول او هرچند که از بزرگترین مجتهدین اسلام باشد قابل پذیرش نیست زیرا ما مور به پیروی از کتاب و سنت پیامبر هستیم نه از انسانها!

### نتیجه نهایی درباره بستن دستها در نماز :

قبل از همه باید گفت که در نماز چند نوع اعمال داریم:

- 1- اعمالی که رکن هستند.
- 2- اعمالی که واجب هستند.
- 3- اعمالی که سنت یا مستحب هستند.

حال:

- اگر کسی عمدا رکن یا عمل واجبی را ترک کند، نمازش باطل است، و باید از نو نمازش را بخواند.

- اگر کسی سهوا رکنی را ترک کرد، نمازش باطل نیست، و اگر از جای نماز بلند شده باشد و رفته باشد، باید حتما بازگردد و آن عمل را انجام دهد و در انتها بعد از سلام دو سجده ی سهو ببرد و دوباره سلام دهد. اگر بازنگردد و آنرا انجام ندهد، دیگر با سجده ی سهو جبران نخواهد شد و نمازش باطل است و لذا باید از نو نمازش را بخواند، مگر آنکه



## محل بستن دستها در نماز

هنوز مدت زیادی از تمام شدن نمازش نگذشته باشد که در اینحالت باید بازگردد و از جایی که رکن را ترک کرده نمازش را ادامه دهد و بعد از سلام دو سجده ی سهو ببرد. - اگر کسی سهوا واجبی را ترک کرد، نمازش باطل نیست ولی چنانکه قبل از آنکه به رکن بعد از آن عمل واجب نرسیده بود، و بیاد آورد که عملی واجب را انجام نداد، در اینصورت باید زود بازگردد و آن عمل واجب را انجام دهد، ولی اگر به رکن بعد رسید، نباید بازگردد ولی در عوض قبل از سلام دو سجده ی سهو ببرد. اگر کسی عمدا یا سهوا سنتی از نماز را ترک کند، نمازش باطل نیست ولی اگر خواست می تواند قبل از سلام دو سجده ی سهو ببرد، بعد سلام دهد.

قبل از همه باید گفت که: بستن دستها در نماز در صحت یا بطلان نماز تاثیری ندارد، یعنی حتی اگر کسی در نماز دستهایش را نبندد باز نمازش باطل نمی شود، زیرا فقط ترک ارکان یا واجبات نماز و یا اشتباه انجام دادن آنها موجب باطل شدن نماز می شود، درحالیکه بستن دست در هنگام قیام در نماز جزو ارکان و یا واجبات نماز نیست، بلکه جزو سنتها و کمالات در نماز می باشد و هرکس این سنت را انجام دهد ان شاءالله اجر بیشتری از نمازش کسب می کند، و اصولا هر کس التزام بیشتری به سنتها داشته باشد اجر بیشتری نیز برای خود کسب کرده است.

و باید بدانیم که پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز دستهای خود را بر روی سینه می بستند، چنانکه از وائل بن حجر رضی الله عنه روایت است که گفت: «صلیت مع رسول الله صلی الله علیه وسلم و وضع یده الیمنی علی یده الیسری علی صدره». صحیح: (الإرواء 352) «با پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز خواندم، (دیدم) دست راستش را بر روی دست چپش، روی سینه اش قرار داد».

بنابراین هرچند که ترک این سنت (یعنی بستن دست در هنگام قیام) و یا اشتباه انجام دادن آن موجب باطل شدن نماز نمی شود، ولی ترک آن و یا انجام اشتباه آن موجب از دست رفتن اجر این سنت برای نمازگزار می شود.

سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم در این باره چنین است که ایشان هنگام قیام دستهای خود را می بستند. در این باره بیست حدیث از طریق هیجده نفر صحابی و تابعی از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت شده است.

از سهل بن سعد روایت است: «کان الناس یؤمرون أن یضع الرجل الید الیمنی علی ذراعہ الیسری فی الصلاة» «مردم امر می شدند به اینکه در نماز دست راستشان را روی ساعد چپشان قرار دهند» ابوحازم گفت: یقین دارم که سهل این دستور را به پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت می داد. بخاری (2/224/740).

از وائل بن حجر روایت است: «صلیت مع رسول الله صلی الله علیه وسلم و وضع یده الیمنی علی یده الیسری علی صدره» صحیح: (إرواء الغلیل فی تخریج احادیث منار السبیل 352)

«با پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز خواندم، (دیدم) دست راستش را بر روی دست چپش، روی سینه اش قرار داد».

از سهل ابن اسعد روایت شده که گفته است: «به مردم دستور داده می شد که در نماز



## محل بستن دستها در نماز

دست راست را روی دست چپ بگذارند.» و ابوحازم می‌گوید: « او این عمل را به پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت می‌داد.» بخاری و احمد و مالک در موطا آن را روایت کرده‌اند. حافظ ابن حجر می‌گوید:

حکمت « رفع » حدیث در آن است که دستور دهنده بدین عمل پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده باشد. و از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است که میفرماید: « إنا معشر الانبياء أمرنا بتعجيل فطرنا وتأخير سحورنا، ووضع أيماننا على شمالكنا في الصلاة ) (به ما پیامبران امر شده که در افطار تعجیل کنیم و سحری خود را به تأخیر بیندازیم و در نماز دست راست را روی دست چپ بگذاریم). و از جابر روایت شده است که گفته: « پیامبر صلی الله علیه وسلم از کنار مردی می‌گذشت که نماز می‌خواند و دست چپ خود را بر روی دست راست گذاشته بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم دست راست او را بیرون کشید و آن را روی دست چپش گذاشت. (احمد و دیگران آن را روایت کرده‌اند. و نووی گفته است: اسناد آن « صحیح » است. ابن عبدالبر گوید:

در این باره از پیامبر صلی الله علیه وسلم خلاف آن روایت نشده است و این عمل گفته جمهور اصحاب و تابعین است. و امام مالک نیز آنرا در موطا خویش ذکر نموده است، و راویان مینویسند که: امام مالک تا اینکه به لقاء الله پیوست همواره در نماز با دست راست، دست چپ را میگرفت. کمال ابن الهمام گفته است:

حدیث صحیحی به ثبوت نرسیده است که بموجب آن دستها را پایین سینه یا زیر ناف نهاد. به نزد حنفی‌ها معهود آنست که آنها را زیر ناف نهاد و به نزد شافعی‌ها زیر سینه. احمد دو قول دارد و به هر دو مذهب رای داده است.

حقیقت آنست که هر دو مساوی هستند. ترمذی گفته است: « رای اهل علم از اصحاب و تابعین و بعد از آنها، آنست که در نماز دست راست را، روی دست چپ گذاشت. بعضی گویند روی ناف، و بعضی گویند زیر ناف و هر دوی آنها وقوع یافته است.» ولیکن روایاتی نقل شده است که بموجب آنها، پیامبر صلی الله علیه وسلم هر دو دست خود را روی سینه می‌نهاد. از هلب طائی روایت شده که گفته است: «من پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیده‌ام که دست راست را بالای مفصل دست چپ می‌نهاد بر سینه‌اش.» احمد آن را روایت کرده است و ترمذی آن را « حسن » دانسته است.

از وائل بن حجر روایت شده که گفته است: « با پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز می‌خواندم که او دست راست خود را روی دست چپ و بر سینه‌اش نهاده بود.» ابن خزیمه آن را روایت کرده و صحیح دانسته است. و ابوداود و نسائی آن را بدین گونه روایت کرده‌اند:

## محل بستن دستها در نماز

« سپس دست راست را بر پشت کف دست چپ و مچ و بازوی آن نهاد.»

### خواندن نماز با دست باز:

طوریکه در فوق یادآور شدیم ، امامان اربعه بستن دستها در نماز را جزو سنت قرار داده اند. فقط برخی از پیروان مذهب مالکی ( نه خود امام مالک بلکه علمای تابع وی) به استناد به انتساب قولی به امام مالک ، که ایشان گفته باشند در نماز می توان دستها را رها کرد. و نیز برخی روایت کرده اند که امام مالک بین نماز سنت و فرض فرق گذاشته بود (روایت ابن قاسم از مالک ، نگاه کنید به: ( فتح الباری ) ( 2 / 224 ) .

و البته برخی دیگر از مالکیه بستن دست در نماز را سنت می دانند و به احادیث وارد در این مورد استناد کرده اند.

شیخ الباجی یکی از علمای مشهور مالکی در کشور تونس میفرماید: « قول به کراهیت بستن دست در نماز از سوی امام مالک جزو اعتقاد مردم عادی است در حالیکه آن جزوی از ارکان نماز است و با ترک آن نماز باطل می شود».

خلاصه اینکه آنچه که از امام مالک در رها ساختن دستها در نماز روایت کرده اند (اگر صحیح باشد) چیزی نیست بجز معتقد ساختن دسته ای از مردم در این عمل و در حقیقت این ظن و گمان افراد عامی بوده است.

در حالیکه با تحقیق ثابت شده است که امام مالک رحمه الله چنین گفته ای ندارند زیرا این نقل بر خلاف نصوصی است که خود امام مالک در کتابش الموطا آورده است و این امر را بسیاری از علمای مالکیه کشف کرده اند.

و اگر با آنها چنین چیزی از امام مالک رحمه الله ثابت شده باشد که نشده ، برای ما بهتر است که در احکام عبادی از پیامبر صلی الله علیه وسلم مطابعت نمایم و از احادیثی که خود امام مالک رحمه الله در کتاب خود « الموطا » نقل فرموده اند مطابعت نمایم .

### فلسفه دست بستن در نماز:

مهم نیست که فلسفه ی دست بستن در نماز چه هست؟! مهم آنست که پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز خود دستهایشان چه حالتی داشتند تا ما از ایشان پیروی کنیم، حال چه حکمت و فلسفه ی آن بر ایمان معلوم شود و چه معلوم نشود! ما مامور نشده ایم تا مدام در پی یافتن فلسفه ی احکام و افعال عبادی باشیم و تا فلسفه را نیابیم آنرا انجام ندهیم! ما مامور به تبعیت از رسول الله صلی الله علیه وسلم هستیم.

بالفرض فلسفه ی بستن دستها مشخص نشود و یا اصلاً فلسفه ای نداشته باشد! آیا چون اینگونه است نباید آنرا انجام دهیم؟! حتی اگر پیامبر صلی الله علیه وسلم هم انجام داده باشند؟ مسلماً می دانیم که جواب هر مسلمان معتقدی اینست که اگر رسول الله صلی الله علیه وسلم دستهایشان را در هنگام نماز بسته باشند، چه علت آنرا بدانیم و چه ندانیم از ایشان پیروی خواهیم کرد.

اما بدون شک و تردید رسول الله صلی الله علیه وسلم در هنگام نماز دستهای مبارک خود را می بستند و احادیث زیادی در این باره وارد شده اند که ذیلاً توجه شما را به چند حدیث جلب مینمایم .

- از وائل بن حجر رضی الله عنه روایت است که گفت: «صلیت مع رسول الله صلی الله

## محل بستن دستها در نماز

علیه وسلم و وضع یده الیمنی علی یده الیسری علی صدره». (إرواء الغلیل فی تخریج احادیث منار السبیل 352)

«با پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز خواندم، (دیدم) دست راستش را بر روی دست چپش، روی سینه‌اش قرار داد».

- از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است: «كان الناس یؤمرون أن یضع الرجل الید الیمنی علی ذراعہ الیسری فی الصلاة» «مردم امر می‌شدند به اینکه در نماز دست راستشان را روی ساعد چپشان قرار دهند» ابوحازم گفت: یقین دارم که سهل این دستور را به پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت می‌داد. بخاری (2/224/740).

- و ابن عباس رضی الله عنهما از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت می‌کنند که فرمودند: «إنا معشر الانبیاء أمرنا بتعجیل فطرنا وتأخیر سحورنا، ووضع أیماننا علی شماننا فی الصلاة»

(به ما پیامبران امر شده که در افطار تعجیل کنیم و سحری خود را به تأخیر بیندازیم و در نماز دست راست را روی دست چپ بگذاریم). (روایت طبرانی در معجم الکبیر و حدیث صحیح است.)

سیرت نویسان مینویسند: پیامبر صلی الله علیه وسلم برای تعلیم نماز برای مسلمانان در مدینه نماز کامل را بر منبر انجام داد پیامبر اسلام در حالیکه در منبر بود، قیام کرد و به رکوع رفت؛ آن گاه فرمود: «إِنَّمَا صَنَعْتُ هَذَا لِتَأْتُمُوا وَلِتَعَلَّمُوا صَلَاتِي». «این کار را کردم تا به من اقتدا کنید و نماز را فرا گیرید». (بخاری و مسلم). پس ما نیز همانگونه نماز می‌خوانیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز خواندند. و این حالت (دست بستن) نشانگر ادب در هنگام قرار گرفتن در نماز و در حضور پروردگار با عظمت است.

امام ابن رجب حنبلی رحمه الله می‌گوید:  
از امام احمد در خصوص حکمت قرار گرفتن دست راست بر روی دست چپ سوال شد که ایشان گفتند: «این حالت نشانگر ذلت نمازگزار نزد خداوند عزیز و شکست‌ناپذیر است». «الذل والانکسار للعزیز الجبار، صفحه 56.»

**پایان**

## محل بستن دستها در نماز

### فهرست موضوعات مطالب رساله :

1	مقدمه
2	اول - حدیث سهل بن ساعد (رض)
3	دوم - حدیث وائل ابن حجر:
4	سوم: حدیث غطفان بن حارث
5	چهارم: حدیث وائل بن حجر
6	احادیث صحیح نبوی در مورد بستن دست ها بر سینه
7	اول: حدیث وائل بن حجر رضی الله عنه
8	دوم: حدیث هلب طائی رضی الله عنه
9	سوم: حدیث طاووس رضی الله عنه و بررسی احادیث متذکره از لحاظ علوم حدیث
10	نتیجه اول: در مورد محل بستن دستها
11	نتیجه دوم: در مورد محل بستن دستها
12	بررسی احادیثی بستن دست ها در زیر ناف
13	اول: حدیث وائل بن حجر رضی الله عنه
14	دومین روایت در این بابت
15	بررسی راویان حدیث
16	حدیث حضرت علی در مورد بستن دستها در زیر ناف
17	پس دستها در کجا گذاشته شود؟
18	خلاصه بحث بستن دستها در نماز
19	نتیجه نهایی درباره بستن دستها در نماز
20	خواندن نماز با دست باز
21	فلسفه دست بستن در نماز

### محل بستن دستها در نماز

تتبع، نگارش و نوشته از:

امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

ادرس ارتباطی :

[saidafghani@hotmail.com](mailto:saidafghani@hotmail.com)

## در باره رساله

در عبادات حق اعمال سلیقه نداریم و عبادات توقیفی است و هر گونه حذف و اضافه در عبادات بدعت محسوب می شود.

مساله بستن دستها در نماز روش پیامبر صلی الله علیه وسلم می باشد ، مساله احترامی وعدم احترامی مطرح نیست ، واگر احیاناً مساله احترامی مطرح بحث باشد ، در هر بخش زندگی مفهوم احترام بشکل خاص خود است .

در مورد محل بستن دست در نماز که آیا محل بستن، بالای سینه است، یا بالای ناف، ویا هم محل بستندست زیر ناف است ، ویا هم سر ناف ، علماء وشارعین شرع هر کدام به استناد واستدلال ، فهم دینی خویش با استنباط از اصول شرعی ، فتوای شرعی صادر نموده اند ، ونظریات فقهی خویش را در مورد جمعبندی نموده اند.

بخاطر روشن شدن این مسئله در این باب ، به استناد احادیث در فهم این مسئله واینکه کدام روایت و فهم از منابع اصلی دقیق ودرست است معلومات دقیق ومستند را خدمت خوانندگان محترم در این جزوه کوچک تقدیم خواهیم داشت .